



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

مضامین تعلیمی در مثنوی

استاد راهنما:

دکتر یحیی آتش زای

استاد مشاور:

دکتر یدالله نصراللهی

پژوهشگر:

سمیرا مقدمی ماهی آبادی

اسفند 1390

تبریز/ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

پدر و مادر نستوه و

همسر فرشته خصالم

فدای نامشان بود و نبودم...

سپاسگزاری

ستایش و سپاس خداوندی را که انسان را از مشیمهٔ عدم برون آورد و برای هدایت و راهنمایی وی انبیا و اولیا را برانگیخت.

سپاسگزارم از زحمات بی دریغ استاد مهربان و نیک منش، دکتر یحیی آتشنزای که به عنوان استاد راهنما با رهنمودهای ارزنده خود در تدوین بهتر این پایان نامه کوشیدند؛ نیز استاد عالم و فروتن، دکتر یدالله نصراللهی، که از محضرشان فراوان سود جستیم.

همچنین از محضر سایر استادان گرانمایه گروه زبان و ادبیات فارسی، آقایان دکتر علیزاده، دکتر گلی، دکتر مشتاق مهر، دکتر قلیزاده، دکتر نصراللهی و بویژه استاد فرزانه و معلم اخلاق، دکتر عیوضی و استاد فرهیخته دکتر قره بگلو، نیز سرکار خانم دکتر رسمی، صمیمانه تشکر و قدردانی میکنم.

نیز امتنان ویژه ای دارم از دوستان و همکلاسانم که در طول مدت تحصیل از وجودشان بهره ها بردم.

سرانجام سپاسگزارم از پدر و مادر عزیزم که در سایهٔ پرمهرشان بالیده ام و اینک هرآنچه دارم و دانم از برکت وجود ایشان است. و همچنین قدر دانی می کنم از همسر مهربانم که در تدوین این پایان نامه زحمتهای بسیاری را متحمل شدند و در واقع مشکلات این راه را برایم هموار کردند.

سمیرا مقدمی ماهی آبادی

اسفند 1390

تبریز/ایران

فهرست مطالب

مضامین تعلیمی در مثنوی مولوی بر حسب تفکیک

موضوع و ترتیب الفبایی

صفحه	عنوان
ح	چکیده
ط	پیشگفتار
1	مقدمه
1	معرفی احوال مولانا
2	معرفی آثار مولانا
3	شعر تعلیمی
6	تعلیم در مثنوی
9	فصل اول: تعالیم عرفانی
10	پیر
14	توکل
17	حق طلبی
20	خلوت نشینی
23	راز داری
25	سکوت و خاموشی

صفحه	عنوان
27	شکر
31	عشق
36	فضیلت گرسنگی
38	فقر
42	فصل دوم: تعالیم اخلاقی و تربیتی
43	بخش اول: توصیه به فضایل اخلاقی
44	احسان و نیکویی
50	ادب
53	امید واری به رحمت خداوند
54	بهره گیری از دوره جوانی
55	ترحم و دلسوزی
57	تعلیم و تربیت
62	تواضع و فروتنی
66	حزم و احتیاط
70	حلم و بردباری
72	خوش خلقی
75	سخن گفتن با مردم به قدر درک و فهمشان

صفحه	عنوان
76	سعی و تلاش
80	صبر
85	صدق و راستی
88	عبرت گیری
90	قناعت
92	مدارا
94	مشورت کردن
96	مکافات عمل
100	وفا به عهد
102	همنشینی
109	بخش دوم: نهی از رذایل اخلاقی
110	بخل
111	تکبر و خود بینی
118	حرص و طمع
123	حسد
127	خشم
128	(نکوهش) دنیا
134	سنت بد

صفحه	عنوان
135	شهرت طلبی
137	عجله و شتابکاری
138	عیب جویی
140	غفلت
142	غیبت کردن
143	کینه جویی
144	نفس اماره
151	وسوسه ی شیطانی
154	هواهای نفسانی
162	فصل سوم: تعالیم دینی و فقهی
163	آب قلیل و آب کثیر
164	ایمان
165	توبه و پشیمانی
169	توجه به خدا و دین و آخرت
174	ثواب و عقاب در آخرت
175	خوردن مردار به وقت ضرورت
176	خونبها و قصاص

صفحه	عنوان
179 دعا و نیایش
186 رشوه گیری
187 روزه داری
188 شراب خواری
189 گواهی بنده مملوک
190 نص و قیاس
191 وضو و تیمم
193 فصل چهارم: تعالیم کلامی و فلسفی
194 تناسخ ملکوتی یا تجسم اعمال
197 جان یا نفس ناطقه
202 جبر و اختیار
209 حدوث و قدم عالم
210 روح و تن
212 شفاعت
214 عقل
222 قضا و قدر

صفحه	عنوان
226	وحدت وجود
230	نتیجه گیری
232	فهرست منابع و مآخذ

چکیده لاتین

چکیده

مولانا جلال الدین محمد بلخی شاعر و عارف شهیر قرن هفتم هجری است که به اوج رساننده شعر عرفانی بوده و در این شیوه راه و طریقه سنا یی و عطار را تداوم بخشیده و قهرمان قهرمانان میدان معرفت الهی گردیده است. اثر سترگ او مثنوی معنوی است که یکی از مهم ترین ابعاد عظیم و گسترده آن بعد تعلیمی آن می باشد، تعلیم، هم به معنای مقوله های آموزشی و هم تربیتی و اخلاقی. از نیکو کاری و احسان و شکر تا عقل و اختیار. البته به تناسب نفس موضوع و اهمیت آن، مولانا با شگردهای گوناگون، به تبیین مقال مورد نظر خود پرداخته است؛ گاهی با استناد به آیات قران مجید و احادیث و گاهی نیز با استمداد از مثل و تمثیل و حکایت و داستان. و از این نظر مثنوی خوان رنگا رنگی است با مضامین تعلیم، حکمت، اخلاق نظری و عملی.

این رساله، به وسع خود بر آن بوده است که دست آشنا یا نا آشنای به اقیانوس معارف مثنوی را بگیرد و با خود به گنج ها و خوان و خانه های تو در تو و متنوع آن رهنمون سازد تا شاید که در زمانه عسرت و حسرت «فقدان اخلاق و تعلیم» جان تشنه انسان جدید را سیراب کند. حق آن است که بگوییم کل مثنوی، سراپا «تعلیم و ارشاد» است و باید کل مثنوی در این باب نقل می شد ولی به اقتضای عنوان و موضوع رساله، به تجدید موضوع و مقال پرداخته شده است بدان امید که هر چند کل آب دریا را نمی توان کشید ولی به قدر تشنگی می توان چشید.

کلمات کلیدی: مضامین، مولوی، مثنوی، تعلیمی، تربیتی، اخلاقی، حکمی.

پیشگفتار

مولانا جلال الدین محمد بلخی، یکی از بزرگترین و تواناترین گویندگان متصوفه و از عارفان نام آور و ستاره درخشنده آسمان ادب فارسی، شاعر حساس صاحب اندیشه و از متفکران بلامنازع عالم اسلام است. درباره مولوی و شخصیت او علما و بزرگان آنقدر گفته و نوشته اند، که کمتر جای نوشتن چیزی وری آنها می توان یافت. «در میان آثار این نابغه ی دوران «مثنوی» بیش از آثار دیگر مولوی دل از عارف و عامی برده است. مثنوی آن اندازه قدر دارد که «محمد نذیر تنها از 195 شرح و ترجمه به زبانهای مختلف نام می برد» این همه کوشش برای شناختن مثنوی و مولوی نشان عظمت ارج و مقام اوست، شعر مولوی قصه پردازی عشق است که در وجود او، چون خون اندر رگ و پوست، چنان سریان یافت که جز خون بر جای نماند.¹»

«تقریر مثنوی از سال (658 ه.ق) شروع و بجز دو سال وقفه بین دفتر اول و دوم در تمام طول زندگی مولانا ادامه داشت. فقط دفتر ششم در آخرین روزهای حیات مولانا نا تمام ماند. در این مدت تقریباً هر دو سال یک دفتر از شش دفتر به پایان آمد و اثری چنین عظیم مدت چهارده سال وقت گرفت و این خود یکی از شگفتیهاست، و در حد خود کاری بود که تایید خداوندی را در برداشت. دفتر ششم که به ظاهر ناتمام مانده است، خود پایانی است، و تا پایان فاصله ندارد، و مولوی خود نیز گفته بود که این قصه بی واسطه زبان گفته آید.²»

درباره پیشینه های تحقیق می توان به پایان نامه های «تعالیم اخلاقی در دفتر اول و دوم مثنوی» از غلامرضا گردان و «تعالیم اخلاقی در مثنوی دفتر های 3 و 4» از احمد مرادی که هر دوی این پژوهش ها به راهنمایی دکتر نیری در دانشگاه شیراز انجام گرفته است. و نیز «مبانی اخلاق در مثنوی» که به کوشش خانم هما حجّتی و به راهنمایی دکتر غلامحسین یوسفی در دانشگاه تهران گرد آوری شده است.

1. وزیر نژاد، ابوالفضل: سبوی از دریا، ص 15.

2. همان، ص 16

مقالاتی هم در این زمینه نوشته شده است که می توان به مقاله «جنبه تعلیمی هزل در مثنوی مولوی» از محمد رضا ساکی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، مقاله «آموزه های معنوی مولانا» نوشته پرفسور ویلیام چیتیک و ترجمه سید امیر حسین اصغری، و «آموزه های مولانا» از دکتر هادی خانیکی و «آموزه های مثنوی» از محمد کردی و نیز «آموزه های مولانا برای انسان معاصر» از حمید رضا خوشنویس نام برد. لازم به ذکر است که از کتاب آیات مثنوی آقای محمود درگاهی برای یافتن آیات مرتبط با ابیات استفاده گردیده است.

تحقیق در چنین موضوعاتی چه در مثنوی مولوی و چه در دیوان دیگر شاعران، دارای برخی محاسن و نیز معایبی می باشد. حسن چنین موضوعاتی در این است که یک دید کلی نسبت به تعالیم اخلاقی و تربیتی، عرفانی، دینی و... به پژوهشگر می بخشد اما در کنار آن، هرگز مجالی برای غور و تعمق در یک زمینه تعلیمی خاص برای محقق فراهم نمی شود و او ناگزیر است که بسیار کلی و گاهی سطحی به آنچه که زمینه مطالعه او را شکل می دهد گریزی بزند. این روال در شاعران صاحب اندیشه ای چون مولوی، عطار، سنایی و ... بیشتر نمود می یابد.

به هر حال نگارنده این تحقیق، تمام تلاش خود را برای به سامان رسیدن این پژوهش به کار بست. و این تحقیق از تلفیق آنچه که از مطالعه مثنوی مولوی حاصل شد، و نیز آنچه از نوشته ها و شروح دیگران در باب مثنوی استخراج شده بود، در چهار فصل به پایان رسید که عبارتند از: فصل اول تعالیم عرفانی، فصل دوم تعالیم اخلاقی و تربیتی، و فصل سوم و چهارم به ترتیب شامل تعالیم دینی و فقهی، کلامی و فلسفی.

روش کار در این تحقیق پس از فیش برداری ابیاتی که مضامین تعلیمی را در بر دارد، بهره گیری از گفته های بزرگان دیگر در باب همان موضوعات بوده، و سپس ابیات تعلیمی مثنوی به همراه توضیحات مربوطه آورده شده است.

در زمینه ارجاعات این تحقیق نیز باید گفت که ارجاعات به روال آیین نامه نگارش پایان نامه می باشد. بدین سان که ارجاع به شیوه پاورقی بوده و فقط ارجاع ابیات برای سهولت و به روال چنین تحقیقاتی، به صورت درون متنی انجام پذیرفته است بدین صورت که شماره ابیات از سمت چپ در زیر ابیات و داخل پرانتز ذکر شده و سپس شماره دفتر عنوان گردیده است.

نکته ای که قابل ذکر است این است که در تحقیق حاضر، نسخه تصحیح شده رینولد الین نیکلسون به عنوان مرجع اصلی پژوهش قرار گرفت و شالوده این تحقیق بر اساس آن استوار گردید.

هر چند این تحقیق بسیار مختصر و نه در خور نام بزرگ مولوی است و بنده خود را در مطالعهٔ مثنوی مانند کسی یافتم که مناسب وسائل خویش از دریای بیکرانه و پهناور چند جوی خُرد و خوار مایه جدا کند و از روی یقین دانستم که وسعت و تنوع مباحث در مثنوی بیش از آن است که من با این بضاعت بسیار نا چیز علمی بتوانم بر آن اطلاع حاصل کنم ولی خوشحال هستم که پس از مطالعهٔ کتب و مقاله های فراوان دربارهٔ مولوی و مثنوی او، آنچه را که فهمیدم در این رساله نگاشتم و در واقع می شود گفت این نوشته مشقی است برای آموختن و بدین دلیل سرشار است از کاستی ها و اشتباهات؛ امیدوارم خاطر تیز بین استادان فرهیخته، مرا بر این اشتباهات آگاه گرداند تا بیاموزم آنچه را نمی دانم.

معرفی احوال مولانا

«مولانا جلال الدین محمد بلخی از تواناترین گویندگان و عارفان آسمان ادب فارسی است. در ششم ربیع الاول سال 604 هجری در بلخ ولادت یافت. بعد از وفات پدرش سلطان العلما معروف به بهاء ولد، بسال 628 یا 631، فرزندش جلال الدین محمد بخواش مریدان به جای پدر بر مسند وعظ و تذکیر و تدریس نشست. لیکن اندکی بعد از فوت پدر مرید و شاگردش سید برهان الدین محقق ترمذی در طلب استاد به قونیه رسید و چون بهاء ولد در گذشته بود بتربیت و ارشاد فرزندش جلال الدین، همت گماشت. و برای آنکه در علوم شرعی ادبی کامل شود او را به مسافرت و تحصیل در حلب و دمشق برانگیخت و او در حلب و دمشق به تحصیل در فقه حنفی پرداخت و گویا بفیض صحبت محی الدین ابن عربی نایل گشت و پس از این سفر که هفت سال به طول انجامید بقونیه بازگشت و بدستور سید برهان الدین مدتی بریاضت ادامه داد و پس از گذشتن از بوتۀ امتحان او، دستور تعلیم و ارشاد یافت. سید برهان الدین بسال 638 در قیصریه وفات یافت و مولوی تا سال 642 که سال ملاقات او با شمس تبریز است بتدریس علوم شرعی در قونیه و وعظ و تذکیر اشتغال داشت.

مولوی با یافتن شمس پشت بمقامات دنیوی کرد و دست ارادت از دامان ارشاد شمس برداشت و در ملازمت و صحبت او بود تا آنکه شمس در سال 645 به دست عده ای از شاگردان متعصب مولانا کشته شد و این واقعه اثری فراموش ناشدنی در او و آثارش باقی نهاد. زندگانی واقعی مولانا و انقلاب حال او بعد از آشنایی او با شمس آغاز شد و از آن پس به برکت انفاس شمس الدین عارفی وارسته و اصلی کامل شد و سلسله جدیدی از متصوفه را که به «مولویه» مشهورند به وجود آورد¹».

«پس از غیبت شمس تبریزی مولانا دچار ناراحتی شدید شد و حتی مریدان او نیز نمی توانستند آن شادابی گذشته را به وی باز گردانند تا اینکه یکی از مریدانش به نام صلاح الدین زرکوب توانست نظر مولانا را به خود جلب نماید. مولانا تا پایان عمر صلاح الدین از حمایت او دست برداشت و قریب به ده سال با صلاح الدین بود تا اینکه پس از فوت او حسام الدین چلبی توانست جای او را

1. صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات ایران، ج2، ص95.

نزد مولانا بگیرد¹».

«در طول اقامت و زندگی مولانا در قونیه گروهی از پادشاهان و امیران و وزیران با او معاصر و معاشر بودند و نسبت به «خداوندگار» با حرمت بسیار رفتار می کردند. مهمتر از همه معین الدین پروانه بود که غالباً برای استماع مجلس های مولانا به «مدرسه» او می رفت و بهمین سبب هم قسمتی از «فیه ما فیه» خطاب بهمین معین الدین است. وفات مولانا جلال الدین در پنجم جمادی الآخر سال 672 اتفاق افتاد. مرگ وی در قونیه بصورت واقعه یی سخت تلقی شد، چندانکه تا چهل روز مردم سوگ داشتند. جنازه او را در قونیه نزدیک پدرش بهاء الدین ولد بخاک سپردند و اکنون به قبه الخضر» معروفست. با آنکه مولوی بر مذهب اهل سنت بود، در عین اعتقاد و دینداری کامل مردی آزاد منش بود و باهل دیگر دین ها و مذهب ها بدیده احترام و بی طرفی، چنانکه شایسته مردان کاملی چون اوست، می نگریست²».

معرفی آثار مولانا

به عقیده برخی از صاحب نظران، آثار جلال الدین مولوی بلخی، از جهت وسعت معانی و عمق اندیشه، از چنان عظمتی برخوردار است که کمتر کسی می تواند در برابر آن، اظهار خضوع و فروتنی نکند.

باری مولانا جلال الدین محمد بلخی، آثاری دارد که از آن جمله است کتابهایی که در زیر نام برده می شود:

1- مثنوی معنوی. «مثنوی از مهمترین آثار ادبی عرفانی جهان است که در شش دفتر ببحر رمل مسدس مقصور یا محذوف سروده شده و در حدود 26000 بیت دارد. پدیدار شدن آن بی شک اثر وجودی حسام الدین چلبی است، حسام الدین دریافته بود که یاران و مریدان مولوی بیشتر به مطالعه آثار سنایی و عطار مشغولند و مولوی نیز بر مسند و عظم آنها را می خواند، در یک فرصت مناسب از مولانا خواست که خودبه شیوه الهی نامه سنایی و اسرار نامه عطار کتابی درسی و آموزشی نظم کند و بدین گونه نظم مثنوی از سال 658 شروع و تا پایان عمر مولوی یعنی سال 672 وقت گرفت³».

1. برهانی، سید محمد: در مکتب مولانا، ص 26.

2. صفاء، ذبیح الله: تاریخ ادبیات ایران، ص 97.

3. وزیر نژاد، ابوالفضل: سبوی از دریا، ص 15.

2- دیوان شمس یا دیوان کبیر. بیشتر غزل‌های این دیوان، لبریز از عشقی شور انگیز است که در آن، عاشق و معشوق، دو وجود صوری و عینی ندارند... مجموعه ای که به نام «دیوان شمس» بارها در ایران و هند و نقاط دیگر به چاپ رسیده، شامل غزلیاتی است که بیشتر آنها را مولانا به نام شمس و یاد او سروده است.

3- فیه ما فیه. «فیه ما فیه» مجموعه سخنانی است که جلال الدین در جمع مریدان خود می‌گفته و یکی از علاقمندان، آنها را نوشته و ظاهراً پس از وفات گوینده مدون گشته و به صورت 71 فصل درآمده است. چنین به نظر می‌رسد که هر فصل باید شامل گفته‌های یک مجلس باشد، اما برخی مجلس‌ها طولانی است.

این مشهورترین عقیده در باب «فیه ما فیه» است. ولی عده ای ضمن اعتقاد به ساده و بی‌تکلف بودن زبان آن، اظهار داشته اند اثر مزبور در دوره حیات خود مولوی سامان یافته است.

4- مجالس سبعه. «یکی از آثار مولانا، «مجالس سبعه» است. ادعا شده این کتاب یکی از کلیدهای فهم مثنوی است. پیام مولانا در این کتاب، هفت نکته است و در این هفت نکته، نکته هاست¹». «غیر از تصحیح سبحانی، از مجالس سبعه تصحیح دیگری در دست است از فریدون نافذی که به گفته قاسم غنی از اخلاف جلال الدین رومی بوده است²».

5- مکتوبات مولانا جلال الدین رومی. «سبحانی می‌گوید: مکتوبات مولانا جلال الدین رومی، تا کنون چهار بار در ایران و ترکیه و ترجمه ترکی آن یک بار در ترکیه به چاپ رسیده است³».

شعر تعلیمی

«در اصطلاح هر اثر ادبی که هدف آن ارشاد و تعلیم باشد و قصد گوینده و سراینده آن آموزش باشد در جرگه ادبیات تعلیمی و ارشادی جای می‌گیرد. موضوع ارشاد و تعلیم جنبه‌های مختلفی چون اخلاقیات، مسائل و انتقادات اجتماعی و سیاسی، و آموزش فنون و حرف‌گو ناگون را در بر می‌گیرد. در ادبیات تعلیمی فارسی، شعر گسترش بیشتری یافته است و یکی از دامنه‌دارترین و گسترده‌ترین اقسام شعر در ادبیات فارسی شعر تعلیمی است.

1. مولوی، جلال الدین محمد: مجالس سبعه، ص 12.

2. فیضی، کریم: مثنوی معنای مولوی، ص 25.

3. مولوی، جلال الدین محمد: مکتوبات مولوی، ص 1.

شاعران مسائل اخلاقی و روانشناسی و اجتماعی را به صورت غیر نمایشی بیان کرده اند و بدینگونه ادبیات تعلیمی ما از ادبیات غرب وسیع تر شده است. نخستین اثر منظوم و مستقل فارسی در اخلاق، پند نامه انوشیروان است که بدایعی بلخی، معاصر سلطان محمود غزنوی آن را سروده است¹»

«نوشتن آثار تعلیمی از قدیم سابقه داشته است. مثلاً الفیه ابن مالک در آموزش صرف و نحو عرب است. ابو نصر فراهانی نصاب خود را به جهت آموزش یک دوره کامل از علوم گوناگون به مبتدیان سرود. و منظومه حاج ملا هادی در باب فلسفه، از جمله نمونه هایی است که جنبه تعلیمی دارند. اما ادبیات تعلیمی می تواند تخیلی هم باشد یعنی مساله یی را که می خواهد تعلیم دهد به صورت داستان یا نمایشی در آورد تا جاذبه بیشتری یابد و از این شیوه مخصوصاً در کتاب های کودکان استفاده می کنند. باید توجه داشت که اطلاق ادب تعلیمی بر اثری به هیچ وجه از شأن آن نمی کاهد.

بدین ترتیب عرصه کاربرد اصطلاح ادب تعلیمی بسیار وسیع است، زیرا به هر حال هر اثری مطلبی را تعلیم می دهد، اما معمولاً این اصطلاح را وقتی به کار می برند که قصد و هدف نویسنده آشکارا تعلیم باشد (مثل الفیه ابن مالک) بسیاری از آثار طنز دار را هم می توان گفت که جنبه تعلیمی دارند زیرا دیدگاه خواننده را نسبت به مردم و موقعیت ها تغییر می دهند. اما به آنها ادب تعلیمی اطلاق نمی شود²».

«در ادبیات غرب، هم نخستین آثار ادبی تعلیمی متعلق به یونانیان است. هسئید دو منظومه تعلیمی دارد که یکی «کارها و روزها» و دیگری «ته ئو گونی» نام دارد. هسئید در منظومه نخست، آموزش امور کشت و زرع را با بینشی اخلاقی در هم می آمیزد و در دومی به موضوع خدایان و آفرینش جهان می پردازد. اما شعر تعلیمی به معنی محدود خود در ادب اروپائی شعری است که عقیده ای خاص را عرضه می کند یا فنی را می آموزد، مانند روستائیانهای ویر ژیل شاعر روم باستان که در باره آداب نگاهداری از مزارع و اداره آنها است³».

«ادبیات تعلیمی چه به شعر و چه به نثر، صورت های گوناگون دارد، یکی از متداول ترین ادبیات تعلیمی بیان مسائل اخلاقی در قالب حکایت ها و داستان هایی است که شخصیت های آنها ممکن است حیوانات، انسانها و حتی اشیا باشند. چنانکه نمونه های مشهور آنها را در کلیله و دمنه، مرزبان نامه، و

1. داد، سیما: فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص 20-19.

2. شمیسا، سیروس: انواع ادبی، ص 70-269.

3. اته، کارل هرمان: تاریخ ادبیات فارسی، ص 142.

مثنویهای عرفانی چون مثنویهای سنایی، عطار، مولوی و نیز دیگر آثاری چون بوستان و گلستان سعدی، جوامع الحکایات عوفی، و فرج بعد از شدت و امثال آنها می توان ملاحظه کرد. علاوه بر این صورت حکایت پردازی، مسایل اخلاقی در دیگر انواع ادبی نیز به صورت مستقیم و بدون استفاده از داستان پردازی نیز مطرح می شود. چنانکه احکام اخلاقی را در ضمن قصیده، غزل، رباعی و بخصوص قطعه و نیز در آثار اساطیری و حماسی به وفور می توان ملاحظه کرد. و شاید بتوان گفت که کمتر اثر ادبی است که در آن مضامین اخلاقی چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم مطرح نشده باشد.

چنانکه نمونه های برجسته آن در سراسر آثاری چون شاهنامه، گرشاسبنامه، و دیوانهای ناصر خسرو، انوری، خاقانی، سعدی، حافظ و قطعات ابن یمین، و غیره پراکنده است¹»

«باید گفت بخش اعظم شعر تعلیمی فارسی در قالب مثنوی سروده شده است و زمینه غالب آن نیز دین و عرفان و اخلاق است. هر چند اندرز و حکمت و مایه های دینی و عرفانی و اخلاقی را در خلال همه انواع شعر فارسی جدا از نوع قالب و و زمینه معنایی آنها نیز البته می توان دید. بی تردید اگر شعر تعلیمی در حوضه اخلاق، با سعدی و در قرن هفتم به کمالی دست نیافتنی می رسد، شعر تعلیمی در حوزه اندیشه های عرفانی نیز به وسیله مولوی و در همان قرن هفتم به کمالی شگفت انگیز دست می یابد.

شعر تعلیمی مهمترین و نخستین تعهدش ابلاغ معرفت در یکی از حوزه های اندیشه بشری است و اگر شعر را از نگاه عده ای از قدما کلام موزون و مقفی تلقی کنیم، این نوع شعر حتی می تواند ابلاغ علوم خاص از قبیل پزشکی و نحو و نجوم را نیز به عهده بگیرد. پیداست که وقتی کلام موزون در خدمت چنین وظیفه ای قرار می گیرد هدفش دیگر انتقال معرفت توأم با تاثیر و نفوذ در خواننده نیست بلکه تسهیل یاد سپاری و یاد آوری است و این هدف آن را از جوهر شعر بسیار دور می کند. از این روی شعر حکمی و تعلیمی را بایست در قلمرو تنگ تری از حوزه های معرفت مثل دین و عرفان و اخلاق و فلسفه و تاثرات سیاسی و اجتماعی محدود کرد که بیان آنها با زبان شعر علاوه بر انتقال معنی به قصد نفوذ و تاثیر در مخاطب هم است.

شعر تعلیمی برای آنکه بتواند در عین ابلاغ معرفت جوهر شعری خود را نیز تضمین کند، می بایست در مخاطب شور و لذت بر انگیزد تا او را تحت تاثیر و نفوذ قرار دهد.

1. داد، سیما: فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص 21.